یادداشت

تحلیلی بر تداوم و تحول نظام‌های کیفیت در شرایط اضطراری ایران

درسی از بازار ایران در جنگ تحمیلی ۸ ساله

امیر حیدری
دبیر انجمن مدیریت کیفیت ایران

در تاریخ توسعه کشورها، بحران‌ها همواره آزمون‌هایی واقعی برای سنجش پایداری و انعطاف‌پذیری نظام‌های مدیریتی بوده‌اند. شرایط بحرانی -چه ناشی از جنگ، بلایای طبیعی، تحریم یا بی‌ثباتی‌های اقتصادی و اجتماعی- نظام‌ها را وادار می‌کند تا دوباره به ارزش‌ها، اولویت‌ها و فرایندهای خود نگاه کنند. در این میان، کیفیت -که در زمان‌های عادی یکی از ارکان رقابت‌پذیری و بهره‌وری سازمان‌ها تلقی می‌شود- در معرض چالشی مضاعف قرار می‌گیرد: آیا در سایه بحران نیز می‌توان از کیفیت سخن گفت؟

یک نگاه تاریخی

در دوران جنگ تحمیلی دهه ۶۰، بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی کشور در کنار تمرکز بر بقا و تأمین نیازهای فوری کشور، با ابتکار، بهره‌گیری از توان داخلی و رویکردهای چابک توانستند نه‌تنها زنده بمانند، بلکه تجربیاتی خلق کنند که بعدها در نظام تولید و مدیریت کشور اثرگذار شد. آنچه کیفیت را در چنین فضایی معنا می‌بخشد، الزام به «کار درست» در «شرایط دشوار» است.

بحران؛ توقف کیفیت یا فرصت بازتعریف آن؟

وقتی سخن از بحران است، اولین تصوری که شکل می‌گیرد، تعلیق برنامه‌های بهبود، حذف هزینه‌های غیرضروری و تمرکز بر تأمین حداقل‌هاست. در چنین فضایی، کیفیت ممکن است به‌عنوان یک «هزینه اضافی» نادیده گرفته شود. اما واقعیت این است که درست در بطن بحران‌ها، کیفیت نه‌تنها باید حفظ شود، بلکه لازم است معنایی تازه یابد. در بحران، کیفیت فقط انطباق با استانداردها نیست؛ بلکه تبدیل می‌شود به تاب‌آوری، سرعت تصمیم‌گیری، پاسخ‌گویی به نیازهای فوری جامعه، اعتمادسازی و توان سازمان برای سازگاری با شرایط ناپایدار.

کیفیت در بحران چگونه تعریف می‌شود؟

در ادبیات مدیریت بحران، مفهومی به نام «حداقل سطح خدمت قابل قبول» وجود دارد. این سطح نه ایدئال است و نه کامل، اما تضمین می‌کند که جامعه یا سازمان بتواند کارکرد حیاتی خود را حفظ کند. در چنین چارچوبی، کیفیت به جای آنکه مجموعه‌ای از شاخص‌های سخت‌گیرانه و نظام‌های پیچیده باشد، به یک چارچوب انعطاف‌پذیر و انسانی تبدیل می‌شود. از این منظر، کیفیت در بحران دارای ویژگی‌های زیر است:

● **انعطاف‌پذیر و انطباق‌پذیر:** تمرکز بر ساده‌سازی فرایندها و کاهش بوروکراسی. ● **تاب‌آور:** توان حفظ حداقل سطح خدمات حتی در شرایط کاهش منابع. ● **انسان‌محور:** توجه به رفاه، ایمنی و رضایت کارکنان و ذی‌نفعان. ● **اخلاق‌مدار:** پایبندی به اصولی چون شفافیت، پاسخ‌گویی و انصاف حتی در شرایط سخت.

نقش سیستم‌های مدیریت کیفیت

سیستم‌های مدیریت کیفیت (مانند ISO ۹۰۰۱، EFQM، یا مدل‌های بومی نظیر مدل سام و PQM) اگرچه برای شرایط عادی طراحی شده‌اند، اما می‌توانند در بحران نیز کاربرد داشته باشند، به شرطی که بازطراحی شده و چابک شوند. مانند:

● **بازنگری اهداف کیفیت:** تمرکز بر تداوم خدمات به جای توسعه. ● **ارزیابی سریع ریسک‌ها:** شناسایی نقاط بحرانی و بازطراحی فرایندها براساس ریسک. ● **مدیریت دانش بحرانی:** مستندسازی تجربه‌های میدانی و انتقال آن به تصمیم‌گیران. ● **توانمندسازی کارکنان:** آموزش مهارت‌های تصمیم‌گیری سریع، کار تیمی و مدیریت احساسات در بحران.

کیفیت در سازمان‌های عمومی و زیرساختی

در شرایطی که کشور در معرض تهدیدهای گسترده قرار دارد، کیفیت در حوزه‌هایی مانند سلامت، حمل‌ونقل، آموزش، خدمات اورژانسی و امنیت غذایی اهمیتی مضاعف می‌یابد. در این بخش‌ها، نبود کیفیت می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیر انسانی و اجتماعی داشته باشد؛ بنابراین لازم است مدل‌های ارزیابی و بهبود کیفیت برای این حوزه‌ها بازتعریف شود، به‌گونه‌ای که پاسخ‌گوی اقتضائات شرایط بحرانی باشند.

پیامدهای فرهنگی و رفتاری

بحران‌ها، ذهنیت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. سازمان‌ها ممکن است دچار رخوت، بی‌اعتمادی یا بی‌انگیزگی شوند. در چنین فضایی، فرهنگ کیفیت - یعنی باور جمعی به بهبود مستمر، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی - اگر از قبل در سازمان نهادینه نشده باشد، بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود. از سوی دیگر، سازمان‌هایی که از پیش فرهنگ کیفیت را تقویت کرده‌اند، می‌توانند با سرعت بیشتری بازسازی شوند.

چه باید کرد؟ پیشنهادهایی برای اکنون: در شرایط فعلی که کشور درگیر فضای بحرانی نظامی و اقتصادی است، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. بازبینی برنامه‌های کیفیت سازمان‌ها با رویکرد بحران‌محور.
۲. تدوین مدل‌های انعطاف‌پذیر ارزیابی کیفیت با مشارکت انجمن‌های تخصصی.
۳. ترویج روایت‌های موفق از کیفیت در بحران برای افزایش امید و انگیزش.
۴. تمرکز بر آموزش مهارت‌های نرم و تصمیم‌گیری سریع برای مدیران کیفیت.
۵. ایجاد کلینیک‌های مشاوره اضطراری کیفیت برای سازمان‌ها و صنایع حساس.

«کیفیت» مفهومی ایستا نیست. در بحران، کیفیت چهره‌ای دیگر به خود می‌گیرد: چهره‌ای سرشار از مسئولیت اجتماعی، تاب‌آوری انسانی و خلاقیت در محدودیت. ما به‌عنوان فعالان این حوزه، رسالتی مضاعف داریم تا نشان دهیم کیفیت صرفا یک مدرک یا فرایند نیست، بلکه تفکری است که حتی در تندبادهای بحران نیز می‌تواند چراغی برای حرکت باشد.

●●●

ضرورت تأکید بر نقش دانشگاه‌ها در تجربه‌آموزی و ارائه راهکار در راستای حل مشکلات

ادامه از صفحه اول

صداوسیما، به همراه دیگر رسانه‌های جمعی، برای یافتن نقاط ضعف سیاست‌ها و برنامه‌ها، باید نظرات اندیشمندان منتقد را بازتاب دهند و مجموعه گسترده‌ای از راهکارهای جدید و خلاقانه را در اختیار سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان قرار دهند. تجربه جنگ ۱۲روزه نشان می‌دهد که کشور به برنامه‌های نوینی نیازمند است که جایگاه ایران را در عرصه جهانی ارتقا بخشد و تهدیدهای کنونی در روابط بین‌المللی را به فرصتی تازه مبدل کند؛ از بروز جنگ نظامی و اقتصادی جلوگیری کند، سرمایه اجتماعی را افزایش دهد و نظام حکمرانی کشور را کارآمدتر کند. باید استادان و اندیشمندان را در جایگاه‌های واقعی‌شان قرار داد و آنها را فراخواند تا با برگزاری نشست‌های تخصصی، دیدگاه‌ها و نظرات خود را برای حل چالش‌های خطیر کنونی ارائه دهند. دولت باید زمینه‌های لازم را به نحوی فراهم آورد تا استادان دانشگاه، با اطمینان از امنیت شغلی خود، بتوانند در راستای بیان انتقادات و ارائه راهکارهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسب شرایط امروز کشور، و ایجاد اجماع نظر میان اندیشمندان و سیاست‌گذاران وظیفه خود را به‌درستی ایفا کنند.

گزارشی درباره صاحبان کسب‌وکارهای کوچک که با جنگ و تداوم اختلال در اینترنت آسیب‌های بزرگ دیده‌اند

مشاغل گرفتار زیر دکمه قطع اینترنت

شرق: پریسا در آشپزخانه کوچک خانه خود کیک می‌پزد؛ کیک وانیلی با روکش شاه‌توت و تمشک، کیک شکلاتی با اسمارتیزهای رنگی یا کیک سیب و هویج و... . کیک‌هایی که مشتریان می‌گویند رنگ و بوی خانه و کیک‌های مادر یا مادربزرگشان را دارد. خودش می‌گوید نوستالژی و همین طعم خانگی کیک باعث شد کارش بگیرد. او نه پول خرید و حتی اجاره مغازه داشته نه حتی پیک که سفارش مشتریان را تحویل دهد. زنی مستأجر و سرپرست خانوار است در یکی از محله‌های سیدخندان و ویترین کسب‌وکار او یک صفحه اینستاگرامی است. خودش سفارش می‌گیرد، خودش می‌پزد و خودش با پراید مدل ۹۲ به آدرس مشتریان می‌برد. جنگ اما کسب‌وکار کوچک او را مختل کرده است. در آن ۱۲ روز دلهره و اضطراب که کسی دل و دماغ سفارش کیک نداشت و حالا اینترنت مختل، سفارش‌های پریسا را به‌شدت کاهش داده است. از آن گذشته GPS در تهران مختل است و پیداکردن آدرس مشتریان برای پریسا بسیار دشوار شده است.

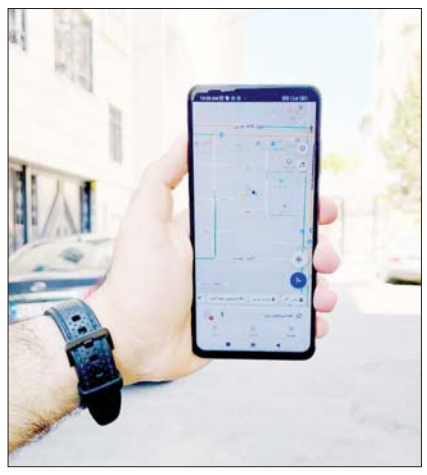

روایت‌هایی از گرفتاری صاحبان مشاغل کوچک

بشیر ساکن بندرعباس است. ۴۵ساله است و چهار بچه دارد. صفحه‌ای با ۴۰ هزار دنبال‌کننده در اینستاگرام دارد و اجناس ته‌لنجی را برای مشتریانش در سراسر ایران ارسال می‌کرد. می‌گوید با شروع جنگ تقریبا تمام سفارش‌های خرداد لغو شد و ماه گذشته «هیچ» کار نکرده است. حالا هم که جنگ ۱۲روزه تمام شده و آتش‌بس غیررسمی برقرار شده، آسمان بسته است و امکان ارسال کالاهای مشتریان وجود ندارد. «ارسال کالا از طریق زمینی هم فایده ندارد؛ چرا مشتری باید یک هفته، ۱۰ روز صبر کند تا یک جفت کفش تحویل بگیرد؟ خیلی راحت از فروشگاه‌های شهر محل سکونتش می‌خرد و تمام»؛ این جملات را بشیر می‌گوید و از آسیب جنگ بر مشاغل کوچک و آدم‌های طبقه فرودست توضیح می‌دهد. اینترنت مختل هم قوز بالا قوز شده و سفارش‌ها به طور بی‌سابقه‌ای ریزش داشته است. بشیر توضیح می‌دهد که در این چهار، پنج روزی که از آتش‌بس می‌گذرد حتی یک سفارش نداشته و اینترنت مختل سبب شده است که بازدید پست‌ها و استوری‌ها به طور معناداری کمتر شود.

گراناز معلم زبان انگلیسی است و به صورت آنلاین به بچه‌ها زبان آموزش می‌دهد. او می‌گوید شهریه کلاس‌های آنلاین کمتر از شهریه کلاس‌های حضوری است و برای بسیاری از خانواده‌های کم‌درآمد صرفه دارد. از آن گذشته برای معلمی مثل گراناز که در زابل زندگی می‌کند، کلاس آنلاین امکانی بود که شاگردانی از سراسر ایران و درآمد بهتری داشته باشد. گراناز توضیح می‌دهد که در شهر بی‌امکاناتی مثل زابل، فناوری و آموزش آنلاین کمک می‌کرد تا توزیع درآمد عادلانه‌تر باشد و او مجبور به مهاجرت به یک شهر بزرگ نباشد، اما حالا اختلال اینترنت این امکان را از او گرفته است و کلاس‌های شاگردانش یکی پس از دیگری لغو می‌شود. او توضیح می‌دهد: «بچه‌ها نمی‌توانند شرایط را به‌خوبی بفهمند و از اختلال و کندی اینترنت کلافه و خسته می‌شوند و نگه‌داشتن آنها سر کلاس درس بسیار دشوار است. ضمن اینکه سطح یادگیری آنها کاهش داشته است، چون اختلال اینترنت و سرعت پایین باعث می‌شود که بارها توضیحات را از اول تکرار کنم یا کودک به‌خوبی متوجه ادای کلمات نشود». چراکه به گفته او اختلال اینترنت سبب شده است که بارگذاری تصاویر یا ویدئوهای آموزشی و حتی ویس یا صدای معلم دشوار شود.

علاوه بر این برخی صاحبان کسب‌وکارهای کوچک اعتراض خود به اختلال اینترنت را در شبکه‌های اجتماعی به نوعی دیگر روایت کرده‌اند. کاربری به نام حسام در شبکه ایکس نوشته است: «من تصمیم گرفتم سرمایه را بردارم و نانوایی بزنم. شغلی که اینترنت نخواهد. در این ۱۰ سال همیشه نگران قطع اینترنت و ازدست‌رفتن سرمایه‌ام بوده‌ام و دیگر توان ادامه این وضعیت را ندارم». برخی دیگر از کاربران هم با اشاره به تبعات سنگین مداخله دولت در اقتصاد نوشته‌اند که نانواها هم درگیر سهمیه آرد و قیمت دستوری و قطع برق و گاز هستند و قشر خوشبختی نیستند.

خسارت سنگین مشاغل آنلاین از اختلال اینترنت

با این حال اختلال در اینترنت گرفتاری تازه کسب‌وکارها و کاربران ایرانی نیست. اینترنت در ایران بارها مختل و حتی قطع شده و از سال ۱۴۰۱ تاکنون گرفتار فیلترینگ گسترده است. در حال حاضر تقریبا تمام سایت‌ها و پلتفرم‌های بین‌المللی در ایران فیلتر است و فقط به مدد فیلترشکن‌های متعدد و سرعت پایین می‌توان به شبکه جهانی اینترنت دسترسی داشت. در طول جنگ ۱۲روزه ایران و اسرائیل در مقاطعی اینترانت فعال شده و اینترنت ملی شد اما پس از آتش‌بس، ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، اعلام کرد که وضعیت اینترنت به روال قبل برمی‌گردد اما حالا نه‌تنها اینترنت به روال قبل برنگشته که دسترسی به GPS یا مکان‌یاب از بین رفته است.

بسیاری از کاربران و صاحبان کسب‌وکار توضیح می‌دهند که با اینترنت موبایل فقط می‌توان سایت‌های داخلی را باز کرد و سرعت اینترنت اپراتورهای موبایل آن‌قدر پایین است که امکان فعال‌شدن فیلترشکن تقریبا غیرممکن شده است. هم‌اکنون دسترسی به شبکه جهانی اینترنت غالبا از طریق وای‌فای یا اینترنت ثابت یا خانگی و به شرط استفاده از فیلترشکن میسر است. این مسئله بسیاری از کسب‌وکارها از جمله در بخش توزیع و حمل‌ونقل کالا و مسافر را دچار مشکل کرده و دسترسی بسیاری از کاربران و مشتریان را به صورت ۲۴ساعته به شبکه جهانی اینترنت از بین برده است و همین مسئله به صورت مستقیم و غیرمستقیم روی ثبت سفارش کالا و خدمات مشاغل آنلاین تأثیر داشته است.

در حال حاضر برآورد دقیقی از خسارت اختلال اینترنت وجود ندارد اما در تجربه‌ای مشابه در سال ۱۴۰۱ برآورد سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران تأثیر سنگین اختلال اینترنت روی مشاغل کشور بود. در این گزارش آماری ۱۲صفحه‌ای که با مشارکت ۱۰۴ شرکت از تاریخ ۷ تا ۱۰ مهر ۱۴۰۱ انجام شده بود آمده است که تمامی شرکت‌های حاضر در نظرسنجی بابت اختلال و قطع اینترنت با ضرر و زیان مواجه شده‌اند. بر اساس این نظرسنجی، بیش از ۴۱ درصد شرکت‌ها ۲۵ تا ۵۰ درصد درآمد خود را در این مدت از دست دادند و حدود ۴۷ درصد هم بیشتر از ۵۰ درصد کاهش فروش داشتند.

بر اساس این گزارش در سال ۱۴۰۱ حدود ۵۳ درصد روزانه ۵۰ میلیون تومان، ۲۱ درصد ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان، حدود ۱۸ درصد بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان و قریب به هشت درصد روزانه بالاتر از ۵۰۰ میلیون تومان خسارت دیده‌اند. اگر تعداد کارکنان را شاخصی برای بزرگی شرکت‌ها بدانیم، می‌شود گفت تقریبا همان هشت درصدی که بالای ۲۰۰ نفر نیرو دارند احتمالا روزانه بالای ۵۰۰ میلیون تومان خسارت دیده‌اند و همان ۷۳ درصدی که زیر ۵۰ نفر نیرو دارند روزانه ۵۰ میلیون تومان خسارت را ثبت کرده‌اند.

سهم ناچیز ایران از اقتصاد دیجیتال

اختلال اینترنت در حالی فضای نااطمینانی در کسب‌وکارهای فناوری‌محور و نوین کشور ایجاد کرده که طبق اعلام بانک جهانی اقتصاد دیجیتال حدود ۱۵ درصد از کل GDP یا تولید ناخالص جهان را به خود اختصاص داده است، به طوری که از ۱۰۸ هزار میلیارد دلار مبلغ کل GDP جهان در سال ۲۰۲۴، اقتصاد دیجیتال سهم ۱۶ هزار میلیارد دلار را کسب کرد. این در حالی است که برنا در سال ۱۴۰۳ به نقل از احسان چیت‌ساز، معاون وزارت ارتباطات ایران نوشته که سهم اقتصاد دیجیتال ایران ۴.۲ درصد است، در حالی که عربستان با ۱۴.۱ درصد در این زمینه پیشتاز است. او همچنین تأکید کرده است: «بر اساس آمارهای منتشرشده، ایران در شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (IDI) در میان ۱۶۹ کشور در جایگاه ۸۴ قرار دارد. این در حالی است که عربستان سعودی در این شاخص در رتبه ۱۴ قرار دارد».

به گفته چیت‌ساز سهم اقتصاد دیجیتال چین ۴۱.۵ درصد، سهم عربستان ۱۴.۱ درصد، سهم ترکیه ۱۱ درصد و سهم امارات ۹.۷ درصد از اقتصاد کل این کشورهاست. در این میان، سهم اقتصاد دیجیتال ایران فقط ۴.۲ درصد است.

رضا الفت‌نسب، دبیر انجمن کسب‌وکارهای اینترنتی، به «شرق» می‌گوید که اختلال و حتی قطع اینترنت در مواقع اضطراری مانند جنگ برای همگان قابل درک است اما در حد چند ساعت یا حداکثر یک روز و بیش از این هیچ توجیهی ندارد. او تأکید می‌کند در حالی که متولیان کشور از افزایش سهم اقتصاد دیجیتال از تولید ناخالص داخلی می‌گویند، اما عملا با اختلال در اینترنت و کاهش دسترسی صاحبان مشاغل و مشتریان به فناوری روز و اینترنت سبب شده‌اند که نااطمینانی ایجاد شود و نه‌تنها انگیزه سرمایه‌گذاری در این دسته مشاغل تضعیف شود، که بخش زیادی از سرمایه‌های انسانی و فرصت‌های ایجاد اشتغال و درآمدزایی در کشور از بین برود. فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال در گزارش سازمان نصر در سال ۱۴۰۱ توضیح داده بودند که محدودیت‌های اینترنت به دلیل ارتباط مستقیم کاهش فروش با درآمد شرکت‌ها باعث اختلال در کانال‌های فروش شده است. همچنین فروش یا درآمد شرکت به دلیل اختلال در استفاده از ابزارهای بازاریابی دیجیتال کاهش داشته و اختلال اینترنت عملیات روزانه استفاده از ابزارهای ارتباط با مشتریان را دچار لطمه کرده است. همچنین عملیات جاری شرکت به دلیل اختلال در استفاده از ابزارهای طراحی و توسعه محصول صدمه دیده است و عملیات جاری شرکت به دلیل اختلال در استفاده از سامانه‌های داخلی شرکت افزایش آسیب را تجربه می‌کند. این گزارش همچنین از صدمه به عملیات جاری شرکت به دلیل اختلال در استفاده از ابزارهای ارتباط درون‌سازمانی و صدمه به عملیات جاری شرکت به دلیل اختلال در تعامل با اشخاص و مؤسسات غیرایرانی حکایت دارد. همچنین لطمه به عملیات جاری شرکت به دلیل اختلال در تعامل با مؤسسات آموزشی و پژوهشی و لطمه به عملیات جاری شرکت به دلیل اختلال در تعامل با پیمانکاران و اشخاص همکار را توضیح می‌دهد. لطمه به عملیات جاری شرکت به دلیل اختلال در دورکاری کارکنان هم موضوع دیگری است که در این گزارش به آن اشاره شده است.

تحرک تازه ترکیه برای دورزدن ترانزیت ایران

کریدور میانی یا مسیر حمل‌ونقل بین‌المللی ترانس-خزر، به سرعت در حال تبدیل‌شدن به شاهراه جدید شرق به غرب جهان است؛ مسیری که از چین آغاز می‌شود، از آسیای مرکزی و قفقاز می‌گذرد و در نهایت به اروپا می‌رسد. آنچه این کریدور را از سایر مسیرهای ترانزیتی متمایز می‌سازد، تلاش هدفمند برای دورزدن ایران و روسیه است؛ تلاش‌هایی که با تحولات ژئوپلیتیکی اخیر، از جمله جنگ اوکراین و تحریم‌های گسترده علیه روسیه، شتابی مضاعف گرفته‌اند. مسیر پیشنهادی کریدور میانی از چین آغاز می‌شود، از قزاقستان عبور کرده، سپس با استفاده از کشتی‌های فری از دریای خزر می‌گذرد و به بندر باکو در جمهوری آذربایجان می‌رسد. در ادامه، مسیر از گرجستان وارد ترکیه شده و از آنجا به اروپا امتداد می‌یابد. این مسیر که به عنوان جایگزینی برای کریدور شمالی (از طریق روسیه) و کریدور جنوبی (از طریق ایران و کانال سوئز) طراحی شده، هم‌اکنون مورد حمایت گسترده چین، اتحادیه اروپا، ترکیه و جمهوری‌های آسیای میانه قرار دارد. پیش از حمله روسیه به اوکراین، بیشتر تجارت ریلی بین چین و اروپا از طریق قزاقستان و روسیه انجام می‌شد. اما پس از شروع جنگ در ۲۰۲۲، شرکت‌های حمل‌ونقل اروپایی به دلیل نگرانی‌های امنیتی و بیمه‌ای، به مسیرهای جایگزین علاقه‌مند شدند. نتیجه این شد که از همان زمان مسیر ترانس‌خزر -همان کریدور میانی- به عنوان گزینه‌ای امن‌تر و سریع‌تر مورد توجه قرار گرفت.

ورود ترکیه با سرمایه و استراتژی

ترکیه به عنوان مهم‌ترین گره اتصال شرق و غرب در این کریدور، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. این کشور به‌تازگی موفق شده است بودجه‌ای معادل ۶۶۰ هزار دلار از بانک جهانی برای توسعه پروژه «کریدور میانی» جذب کند. این پروژه به طور مشترک توسط بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB) و بانک توسعه اسلامی (IDB) تأمین مالی می‌شود. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، مرحله اول این پروژه شامل نوسازی راه‌آهن مرزی دیوریگی-قارص-گرجستان است و ۱.۳ میلیارد دلار برآورد هزینه دارد. مرحله دوم هم که بیشتر بر مدیریت پروژه و توسعه ساختار دیجیتال تمرکز دارد، بودجه‌ای بالغ بر ۵.۵ میلیون دلار به خود اختصاص داده است. بانک جهانی اعلام کرده که مناقصات این پروژه به صورت بین‌المللی و آزاد برگزار می‌شود. اطلاعیه‌های مربوطه در وب‌سایت اداره کل سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی ترکیه و همچنین روزنامه رسمی این کشور منتشر خواهد شد. روند اجرای این پروژه نیز کاملا مطابق با مقررات IPF (چارچوب مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری بانک جهانی) انجام می‌شود. این یعنی در ساختار در حال شکل‌گیری کریدور میانی، ترکیه فقط یک کشور عبوری نیست، بلکه در حال ایفای نقشی استراتژیک و بلندمدت به عنوان گره نهایی و حلقه اتصال شرق آسیا به اروپاست. قرارگرفتن در میانه مسیر باکو-تفلیس-قارص (BTK) و بهره‌برداری از زیرساخت‌هایی مثل تونل مرمره (Marmaray)، این امکان را برای ترکیه فراهم کرده تا نه‌تنها ترانزیت کالا را تسهیل، که موقعیت ژئوپلیتیکی خود را نیز بازتعریف کند. در اصل کریدور میانی، ترکیه را از کشوری مصرف‌کننده به بازیگری ژئولجستیکی تبدیل می‌کند. نزدیک به دو هزارو ۲۰۰ کیلومتر از این مسیر از خاک ترکیه عبور می‌کند و با بهره‌گیری از خطوط ریلی و جاده‌ای گسترده، کالاهایی که از چین و آسیای مرکزی حرکت می‌کنند، ظرف ۱۸ روز به اروپا می‌رسند؛ رقمی که در صورت تکمیل زیرساخت‌ها می‌تواند به ۱۳ تا ۱۵ روز کاهش یابد. این کاهش زمان حمل‌ونقل در مقایسه با مسیرهای دریایی (مانند کانال سوئز) یا مسیرهای شمالی (از طریق روسیه) مزیتی رقابتی برای ترکیه ایجاد کرده است. هدف‌گذاری اقتصادی ترکیه در این مسیر نیز بلندپروازانه است: از خلق بیش از ۱۱۴ میلیارد دلار ارزش‌افزوده گرفته تا ایجاد سالانه بیش از ۱۴۴ هزار شغل و رساندن ارزش مبادلات ریلی به بیش از ۷۵ میلیارد دلار. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، در دیدار اخیر با مقامات لجستیکی چین اعلام کرد که گسترش کریدور میانی در صدر اولویت‌های راهبردی دولت او قرار دارد. به گفته او، این طرح شامل پروژه‌هایی نظیر کریدور زنگزور (اتصال جمهوری آذربایجان به نخجوان)، جاده توسعه (اتصال ترکیه به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس) و پل سوم ترکیه به اروپاست. این تحرکات نشان‌دهنده چشم‌انداز ترکیه برای تبدیل‌شدن به هاب لجستیکی اوراسیا تا سال ۲۰۳۰ است. با این حال در حال حاضر، فقط ۳۰۰ قطار باری در سال از کریدور میانی عبور می‌کنند؛ رقمی که نشان از ظرفیت بلااستفاده بالا دارد. همین موضوع دلیل برگزاری نشست‌هایی میان شرکت لجستیک ترکیه‌ای «پاسیفیک اوراسیا» و شرکت دولتی راه‌آهن چین در ماه گذشته بوده است تا زمینه افزایش تبادلات فراهم شود.

ایران در سایه یک کریدور جدید

به باور کارشناسان، توسعه سریع کریدور میانی به معنای تهدید جایگاه ترانزیتی ایران در منطقه است؛ چراکه این مسیر به طور هدفمند تلاش دارد خاک ایران را دور بزند، چه از مسیر دریای خزر و قفقاز و چه از طریق پروژه‌هایی مانند زنگزور. در چنین شرایطی، ایران یا باید به این مسیر متصل شود، یا خطر حذف از نقشه ترانزیتی شرق-غرب را بپذیرد. تا پیش از اقدامات تازه دولت ترکیه برای پیشبرد کریدور میانی، برخی کارشناسان معتقد بودند که ایران می‌تواند از پنجره‌ای باریک وارد این بازی بزرگ شود. آنها می‌گفتند راه‌آهن احداث‌شده در حاشیه رود ارس از سوی جمهوری آذربایجان، در نقطه آغبند (خداآفرین) وارد خاک ایران می‌شود تا به نخجوان برسد؛ اگر ایران بتواند راه‌آهنی به طول حدود ۱۰۰ کیلومتر بین جلفا تا خوی احداث کند، آنگاه اتصال مسیر از نخجوان به داخل ترکیه از طریق ایران ممکن می‌شد، این امر ایران را وارد شبکه ترانزیتی کریدور میانی کرده و از حذف کامل جلوگیری خواهد کرد. با این حال با تحرکات جدید ترکیه و البته ادامه ضعف دیپلماسی ایران در این موضوع، احتمالا این فرصت هم از دست می‌رود. در مقایسه با ترکیه که توانسته حمایت مستقیم بانک جهانی، IDB و AIIB را به دست آورد، ایران تاکنون در جذب سرمایه‌گذاری‌های مشابه ناکام بوده است. تحریم‌ها، ریسک‌های سیاسی و البته نبود دیپلماسی فعال اقتصادی، مهم‌ترین موانع در این زمینه بوده‌اند. امروز هم حتی اگر ایران تمایل به مشارکت در کریدور میانی را داشته باشد، بدون سرمایه‌گذاری خارجی و ساختار تعرفه‌ای شفاف، نمی‌تواند با ترکیه، آذربایجان یا قزاقستان رقابت کند. از سوی دیگر، استانداردسازی دیجیتال، زیرساخت‌های گمرکی پیشرفته و اتصال هماهنگ اپراتورهای لجستیکی، همگی در حال اجرا در مسیرهای جایگزین هستند. ایران هنوز از نبود پنجره واحد گمرکی، تطابق نداشتن تعرفه‌ها و نبود هماهنگی بین‌نهادی رنج می‌برد.

یادداشت

در ستایش قامت برافراشته ملت ایران

ادامه از صفحه اول

۱. فصل مشترک عمده تحلیل‌هایی که از سوی صاحب‌نظران بین‌المللی و ملی ابراز شده، روایتگر آن است که دو عامل مهم تجهیزات و امکانات پیشرفته نظامی و حمایت گسترده اطلاعاتی و لجستیکی آمریکا و ناتو از اسرائیل و آسیب‌پذیری سیستم امنیتی و اطلاعاتی ایران و نفوذ گسترده عوامل و ایادی موساد و ازکارافتادن سیستم پدافندی کشور فرصت تجاوز و تعرض به خاک ایران را به رژیم صهیونیستی داد تا برای اهداف سه‌گانه خود: براندازی نظام، تجزیه ایران و تضعیف دولت و حاکمیت ملی اقدام کند که البته در هر سه مورد ناکام ماند. گرچه خسارت‌های جانی و مالی درخورتوجهی به ایران وارد شد.

۲. اما دو عامل مهم دیگر هم موجب ناکامی دشمن و توقف جنگ شد که بدون‌تردید توان ارزنده و شجاعانه تهاجمی ایران و البته مهم‌تر از آن انسجام تاریخی و همبستگی ملی و شگفت‌انگیز ایرانیان بر محور حفظ استقلال و تمامیت ارضی و امنیت سرزمین مادری موجب پذیرش آتش‌بس از سوی متجاوز شد. اینک از میان تهدیدها و فرصت‌های پیش‌روی کشور به مواردی بسنده و اشاره می‌کنم.

الف-تهدیدها

۱- اگر بپذیریم که اسرائیل یکی از ایالت‌های فراسرزمینی و البته مهم و نخست آمریکاست، آن‌گاه آتش‌بس اعلام‌شده از طرف ترامپ توجیه‌پذیر است. اما نکته مهم و تهدیدآمیز، این است که آتش‌بس مذکور مستند به هیچ‌یک از موازین و قوانین و مقررات حقوقی بین‌المللی و سازمان‌ها و نهادهای رسمی جهانی نیست و درواقع یک آتش‌بس موقت و مبهم است که نمی‌توان درباره پایداری آن اطمینان جدی داشت. مشخص‌نبودن دوره آتش‌بس و تجربه‌های بدعهدی و نقض مکرر موارد مشابه از سوی اسرائیل بالقوه خطرناک است و بیم شکستن آن و تهدیدی برای آغاز دوباره جنگ وجود دارد که باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با تدبیر و خلاقیت سیاسی به آتش‌بس پایدار تبدیل شود.

ب-فرصت‌ها

۱- اما مغتنم‌ترین فرصت برای نظام حکمرانی کشور تعظیم و تکریم در برابر ملتی است که شکوه حماسه وحدت ملی برای حفاظت و حراست از ایران خسته‌تن و رنج‌دیده از تحریم‌ها و تهدیدها را آفریدند و نقش بی‌بدیل خود را از هر قوم و مذهب و تفکر و دیدگاه سیاسی و منتقد و موافق و مخالف وضع موجود ایفا کرده و به شایستگی و شکیبایی و هوشمندی ضمن حمایت از نیروهای مسلح، آسیب‌ها و خسارت‌ها را به جان پذیرفتند تا قامت افراشته یک ملت بزرگ و با فرهنگ و تمدن را به نمایش بگذارند. در چنین شرایطی حداقل انتظار از مسئولان کشور و قوای سه‌گانه این است که برای بازسازی روابط ملت-دولت با رویکردی جدید و معتمدانه همت گمارند و با گشودن فصل جدیدی برای بهره‌مندی از توانایی‌های ایرانیان میهن‌دوست خارج از کشور به‌ویژه لابی قوی آنها در آمریکا برای تقابل با جناح جنگ‌طلب و رایزنی با جریان مخالف جنگ در آن کشور به‌عنوان بخشی از دیپلماسی عمومی و قوت‌بخشیدن به تلاش‌های دیپلماتیک وزارت امور خارجه در تأثیرگذاری به تصمیم‌گیری کشورهای غربی و سازمان‌های بین‌المللی فرصت مناسبی است که با تحول در نگرش سیاست خارجی سازنده و تعامل‌محور با دنیا برای استفاده بهینه از توان ملی و ظرفیت گسترده هم‌وطنان، فراروی مسئولان قرار دارد تا با مسئولیت‌پذیری بهره‌های لازم از آن بردارند.

۲- بازتعریف مفهوم امنیت ملی و به‌ویژه امنیت مردم و رضایت‌مندی آنان از نظام و تجدیدنظر در سیاست‌ها و برنامه‌های ناکارآمد و غیرموجه که در سال‌های گذشته موجب آزردگی و ایجاد نارضایتی در مردم شده است و اولویت‌بخشیدن به آزادی‌های مدنی و سیاسی و زمینه‌سازی برای مشارکت واقعی و توأم با احترام و عزت مردم در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پایان‌بخشیدن به حبس‌ها و حصرها و در یک کلام آشتی واقعی ملی و اصلاح ساختارهای ناکارآمد، فرصتی بی‌نظیر برای نگاهبانی از ایران عزیز و نقش‌آفرینی مجدد آن در عرصه‌های بین‌المللی را ایجاد کرده که اهتمام به آن نشانه قدرشناسی و تجلیل از نمایش تحسین‌برانگیز ایران و ایرانیان و دورسازی خطر جنگ و تجاوز اخیر دشمن از کشورمان است.

۳- تبدیل سریع آتش‌بس موقت به یک آتش‌بس دائم در چارچوب ایجاد یک خاورمیانه امن با مشارکت همه کشورها و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی از فرصت‌ها و نیازهای فوری و مبرمی است که باید در اولویت برنامه‌های مسئولان قرار گیرد. ادامه مذاکره هوشمندانه با آمریکا دریچه مناسبی برای دستیابی به چنین پارادایمی است. نگاهبانی از ایران، اولویت نخست و بی‌چون‌وچرای هر ایرانی خردمند، وطن‌دوست و متعهد و مسئول کشور است.